

السيمائية

بحث نظري علمي

الأستاذ المساعد الدكتور عقيل عبد الحسين محمد

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

almaliky761@gmail.com

تاريخ الإستلام : ٢١ / ٤ / ٢٠١٩

تاريخ القبول : ٢٧ / ٥ / ٢٠١٩

This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

الملخص:

السيمائية علم و منهج تحليلي متعدد الأقسام لدراسة كل شيء يدل على شيء آخر. الإفادة من منهج التحليل السيميائي للنصوص الأدبية يكشف الوجوه المتعددة للعلامات الأدبية كأصوات و الكلمات و الأوزان و الرموز و المفاهيم عن طريق دراسة البناء الداخلي لتلك العلامات و إنتهاءً بطريقة استعمالها و دلالاتها في النص .

هدف البحث : معرفة علم السيمياء من حيث النظرية يوجب الفهم الأفضل لدى الطالب لأسس هذا العلم .

منهج البحث : لغرض وصف علم السيمياء و بيانه و العلامات المتنوعة في الحياة الإجتماعية إستفيد من البحوث السيميائية المختلفة ، و في المحصلة أصبح من الممكن الوقوف على أغلب الزوايا الدلالية للعلامات و الإدراك العميق لمعانيها .

النتائج : من الممكن عدّ كل شيء في عالم الوجود إشارة ، لذا فإنّ الظواهر و المعطيات سواءً المادية الطبيعية منها أو المفهومية الفكرية تُعدّ علامات ، و إنّ الإفادة من المنهج السيميائي في تحليل العلامات أمر يحوز على أهمية كبيرة بين مختلف المناهج البحثية الأخرى .

الكلمات المفتاحية : السيميائية ، العلامة اللغوية ، العلامة غير اللغوية ، سوسير و بيرس ، التحليل السيميائي .

نشانه شناسی

واکاوی ای نظری علمی

الأستاذ المساعد الدكتور عقيل عبد الحسين محمد

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

چکیده :

نشانه‌شناسی علمی و روی‌کردی تحلیلی‌گرایی میان‌رشته‌ای برای مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگری نشان می‌دهد. بهر مگرری از شیوه تحلیلی نشانه‌شناختی متون ادبی می‌تواند به وجوه گوناگون نشانه‌های ادبی مانند صداها ، واژه‌ها ، وزن‌ها ، نمادها ، مفاهیم پی‌برد از پایه مطالعه ساختار درونی آن نشانه‌ها تا نحوه دلالت کاربردی آن‌ها در دل متن .

هدف پژوهش : شناسایی نشانه‌شناسی از لحاظ نظریه ، موجب درک بهتر دانشجویان به مبانی این دانش می‌شود .

روش پژوهش : برای توصیف ، تفسیر و تحلیلی نشانه‌شناسی و نشانه‌های متعدد در زندگی اجتماعی ، بر طبق استفاده از پژوهش‌های گوناگون نشانه‌شناختی پرداخته- شده‌است تا در نتیجه ، بتوان بر اغلب گوشه‌های دلالت نشانه‌ها و درک عمیق معنای آن-ها آگاه شود .

یافته‌ها : می‌توان هر چیز در عالم هستی‌ها به‌عنوان نشانه‌ای به‌شمار آورد . بنابراین ، پدیده‌ها ، داده‌ها ، و دست‌آوردها چه مادی - فیزیکی ، چه مفهومی - اندیشه‌ای به‌عنوان نشانه‌هایی به‌حساب می‌آیند ، و بهر مجستن از روی‌کرد نشانه‌شناختی در تجزیه و تحلیلی آن‌ها ، امری حائز اهمیت فراوانی در میان دی‌گر روی‌کردهای بحث و بررسی است .

کلیدواژه‌ها : نشانه‌شناسی ، نشانه زبانی ، نشانه غیرزبانی ، سوسیر و پیرس ، تحلیلی نشانه‌شناسانه .

Semiotics: A Theoretical Scientific Research

By Asst. Prof. Aqeel al-Maliki

Department of Persian, College of Languages

University of Baghdad

Abstract

Semiotics is a science and a multi-aspect analytical tool in the study of everything denoting another. Let it be known that making use of a semiotic analysis of literary texts reveals the multi-aspects of literary signs, such as sounds, words, meters, symbols, and concepts by tackling the internal structure of these signs as well as the way they are used and their denotations. The study is an attempt to clarify that knowing semiotics helps create a better understanding among students. So, in order to describe semiotics, and to identify the various signs in social life, a good number of papers in semiotics were made use of, and consequently, it has become possible to show the different indications of signs and comprehend their meanings. In conclusion, there might be a chance to consider everything as a sign, and so the phenomena and the preliminaries, whether materialistic or conceptual, were also signs; thus, the employment of such an approach would draw the attention from among other approaches.

Keywords: semiotics, linguistic sign, non-linguistic sign, Saussure, semiotic analysis

پیشگفتار

نشانه

چارلز ساندرز پیرس **Charles Sanders Peirce** (١٨٣٩ - ١٩١٤ م) نشانه-شناس معروف آمریکایی و پدر دوم نشانه‌شناسی، نشانه **Sign** را این چنین معرفی می‌کند: «چیزی که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می‌نشیند. « (عینی، ١٣٩٥ هـ : ٢٨٣) (Eini ,1395A.H : 283) به عبارت دیگری « بر چیز دیگری جز خودش دلالت کند » (نجفی، ١٣٨٤ هـ : ١٤) (14 : 1384 A.H, Najafi). برای مثال، « من با دیدن حلقه طلایی در انگشت دوم دست چپ خانمی، درمی‌یابم که او ازدواج کرده است. پس، آن حلقه به یک « نشانه » مبدل شده است زیرا بر چیزی غیر از خودش دلالت می‌کند. « (صفوی، ١٣٩٤ هـ : ١٧) (17 : 1394 A.H, Safavi). بنابراین، مفهوم نشانه محدود به نشانه زبان نیست، و شامل هر جانشینی معنادار است. خود گیرنده بر طبق تفسیر خاص خود به دلالت نشانه می‌رسد. آرتور

آسا برگر Arthur Asa Berger پژوهشگر معروف آمریکایی می‌گوید: «پیرس استدلال می‌کرد که مفسران، خود باید به نشانه‌ها معنی ببخشند. او معنی‌شناسی را مهم می‌دانست.» (عینی، ۱۳۹۵هـ - ۲۸۳) (Eini, 1395 A.H : 283).

نشانه زبانی و نشانه غیر زبانی

نشانه زبانی یا **Moneme** یا **Morpheme**: «سوسور، دال (تصور صوتی / شنیداری) و مدلول (تصور معنایی / مفهوم) را لاینفک در نظر می‌گیرد. او این پیوند جدایی‌ناپذیر را نشانه زبانی می‌نامد.» (صفوی، ۱۳۹۴هـ - ۲۲ - ۲۳) (Safavi, 1394 A.H : 22-23).

نشانه غیر زبانی همه نظام‌های ارتباط غیر زبانی میان افراد جامعه است. یعنی نظام‌های نشانه غیر زبانی است. از قبیل: چراغ راهنمایی و رانندگی، حرکات تن، رقص، آژیرهای خطر، آژیرهای کارخانه‌ها، زنگ‌های کلی‌سراها، دکور، نشانه‌های ادب و احترام... به سخن دیگر، نشانه‌های دیداری، شنیداری، ایمايي، بویایی، لمسی، چشایی و غیره. (ر.ک. البزاز، ۲۰۰۹ م: ۱۱ - ۱۲) و (الأحمر، ۲۰۱۰ م: ۷۳ - ۸۴).

(Refer to : Al-Bazzaz, 2009 A.D : 11-12) and

(Al -Ahmar, 2010 A.D : 73-84)



ویژگی‌های ممیز نشانه زبانی

کرستیان بیلون Christian baylon و پول فابر paul fabre نشانه‌شناسان و زبان‌شناسان فرانسوی، نشانه زبانی را در دیدگاه سوسور به این مشخصات می‌بینند:

- نشانه زبانی دارای معنی یا مضمون معنایی است ، نیز صورتی شنیداری یا تعبیری آوایی یعنی دال یا مدلول را در بر می‌گیرد .
 - رابطه بین دال و مدلول دلخواهی و ضروری است . به عبارت دیگر ، رابطه‌ی درونی بین مضمون نشاندار به گیاه (درخت) و سلسله اصوات نشاندار به (د + ر + خ + ت) یافت نمی‌شود و دلیل ما از راه اختلاف نامگذاری همان مدلول از زبانی به زبانی دیگر ظاهر می‌گردد به طوری که در انگلیسی می‌گوییم (duck) و در فرانسه (canard) و در عربی (بطّه) .
 - نشانه زبانی و جمله زبانی با زمان همراه می‌شوند . به عبارت دیگر ، ممکن نیست دو واحد زبانی در همان نقطه در سلسله گفتاری جای داشته باشند ، بلکه ارزش آن دو در پیاپی و تضاد در سلسله گفتاری می‌باشد و معنی نشانه به دگرگونی جای آن تعلق دارد . دو مثال زیر مسأله را توضیح می‌دهد :
- سعی دسی او ش را زد .
- سعی او ش سعی در ا زد .
- نشانه زبانی نشانه‌ی است تفاضلی . یعنی به حضور یا غیاب آن رخ می‌دهد یا دلالت می‌کند . به عبارت دیگر ، ما می‌توانیم به وسیله نشانه زبانی از هر چیز که می‌خواهیم صحبت کنیم چه حاضر باشد چه غایب . نشانه زبانی یک واحد ثابت و منفصل است ، یعنی لفظ (د + ر + خ + ت) جز معنای گیاه (درخت) نمی‌دهد .
 - نشانه زبانی ، به نظامی که زبان را می‌سازد ، می‌پیوندد . ارزش نشانه زبانی ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر در همان نظام است . اختلاف شنیداری بین (عَلَم) و (قَلَم) در اختلاف بین حروف اول (ع) و (ق) تحقق پیدا می‌کند ، و این اختلاف دو دال ، دو مدلول مختلف را جدا می‌کند . (ر.ک. بیلون و پول فابر ٢٠١١م: ٧ - ١٠) (Refer to Baylon and Paul Fabr, 2011 A.D :7-10)

و روی‌کردی تحلی‌ل‌گرای‌ی چندرشته‌ای برای مطالعه‌ی هر چیزی است که بر چیز دی‌گری نشان‌می‌دهد . بنابراین ، نشانه‌ها در یک جامعه‌ی بشری صورت‌های متعددی دارد ، مانند واژه‌ها ، صداها ، حرکات ، تصاویر ، نمادها ، مفاهیم و غیره . نیز این امر خاطر نشان‌می‌سازد که نشانه‌شناسی می‌تواند انواع گوناگون نشانه‌ها بررسی‌کند از پایه‌ی مطالعه‌ی فرایند پیدایش نشانه‌ها ، ساختار درونی آن‌ها تا نحوه‌ی دلالت کاربردی آن‌ها و چگونگی ایجاد ارتباط میان آدمی‌ها و انتقال معانی در دل زندگی اجتماعی .

تاریخچه‌ی نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی در زبان انگلیسی واژه‌ی **Semiotics** (گاهی هم **Semiotic** سیمیوتیک بدون S) و در زبان فرانسوی **Semiology** سیمیولوژی را درباره‌ی آن به‌کار می‌برند . این اصطلاحات ریشه در واژه‌ی یونانی **seme** یا **sema** به‌معنای نشانه دارند . گاهی هم آن‌را «نظریه‌ی نشانه‌ها» نامیده‌اند . عرب‌ها معمولاً از معادل‌های «علم - العلامات»، «العلاماتیات»، «السیمیولوجیا»، «السیمیوطیقا» و «السیمیائیة» استفاده می‌کنند . (ر.ک. قائمی‌نیا ، ١٣٨٦ هـ : ١٣٧ - ١٣٨) ، (قائمی‌نیا ، ١٣٨٥ هـ : ٤) و (عباس‌پور ، ١٣٩٠ : ١١٣)

(Refer to :Qaemi Neya,1386 A.H : 137-138) ,

(Qaemi Neya ,1385 A.H : 4) and (Abbaspur,1390 A.H : 113)

« واژه‌ی **Semiotics** از زبان یونانی باستان گرفته‌شده‌است . این واژه در اصل از فعل یونانی **Semainein** (دلالت‌کردن) گرفته‌شده‌است . این نام در حقیقت از واژگان علم پزشکی که علایم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، برگرفته شده است... یونانیان واژه‌ی **Semeion** (به‌معنای «به‌زای چیزی قرار گرفتن») را نیز به‌کار می‌بردند و کسانی که نشانه‌ها را می‌خواندند و تفسیر می‌کردند **Semeiotikos** نامیده می‌شدند . نخستین کسانی که به تفسیر نشانه‌ها در یونان می‌پرداختند ، کسانی بودند که پدیده‌های طبیعی و وضعیّت هوا و وضع اجرام سماوی و وقوع مصایب طبیعی را به‌عنوان نشانه‌هایی از اتفاقاتی که در آینده رخ می‌دهند و نشانه‌هایی از خواست خدایان تفسیر

می‌کردند . « (قائمی‌نیا ، ١٣٨٥ هـ : ٤) (Qaemi Neyā , 1385 A.H : 4). »
 سنت فلسفی که در یونان از تفسیر نشانه‌ها بحث می‌کرد عملاً با ارسطو **Aristotle**
 آغاز شد و با سکتوس امپریکوس **Sextus Empiricus** پایان یافت ... فلاسفه یونان
 واژه **Semeion** را در مورد نشانه‌ها و پدیده‌های طبیعی به‌کار می‌بردند ولی آن را در
 مورد واژه‌ها و عبارات‌های زبانی به‌کار نمی‌بردند . آن‌ها در مورد واژه‌ها و عبارات‌های
 زبانی اصطلاح **Symbolos** را به‌کار می‌بردند که می‌توانیم آن را به «نماد»
 ترجمه‌کنیم. در نتیجه ، نشانه‌شناسی یا **Semiotic** حوزه تفسیر پدیده‌هایی بود که
 به‌طور طبیعی در محیط زندگی رخ می‌دادند . اما بررسی زبان به حوزه منطق و
Rhetoric مربوط می‌شد . « (همان : ٥) (The Same Source : 5).

کاربرد دو اصطلاح زبان‌شناسی

« هر دو واژه **Semiotics** و **Semiology** به یک معنی است . اما اولی توسط
 فیلسوف امریکائی ، چارلز ساندرز پیرس سکیزدهشده (١٩١٥) و دومی را فردینان دو
 سوسور [در اروپا] به‌کار برد. (داد ، ١٣٨٥ هـ : ٤٦٥) (Dad , 1385 A.H : 465). »
 آنان نخستین افرادی بودند که به‌طور علمی ساختار نشانه‌ها را مورد بررسی قرار-
 دادند و به کشف عوامل اساسی و بنیادین شکل‌گیری نشانه‌ها پرداختند و سرانجام
 زمینه‌های ظهور بررسی و تحلیلی نشانه‌ها به‌گونه‌ای نظام‌مند و علمی فراهم آوردند . « (
 محمدی و دیگران ، ١٣٩٤ هـ : ١٥٢) (Mohammedi and others, 1394 A.H :)

152

گسترده‌گی نشانه‌شناسی

« نشانه‌شناسی اصطلاحی عام است برای علم نشانه‌ها زیرا نشانه‌ها در تمام
 حوزه‌های تجربه بشری حضور دارند ... مثل زبان ، رمز ، موریس یا علایم رانندگی ،
 حرکات بدن ، آئین‌های اجتماعی ، لباسی که بر تن می‌کنیم ، غذایی که درست می‌کنیم ،
 ساختمانی که در آن زندگی می‌کنیم ، اشیائی که با آن‌ها سروکار داریم همه و همه را
 دربرمی‌گیرد . « (همان : ٤٦٥) (The Same Source : 465).

نیز « تحلیول نشانه‌شناسی در مورد همه‌چیز همچون مُد ، تبلیغات تجاری ، فیلم‌های سینیمایی و سریال‌ها ، تحلیول شخصیت افراد ، آثار هنری- بصری و مباحث زی‌باشناختی به‌کارگرفته‌می‌شود . » (فیاض و دی‌گران، ۱۳۹۰ : ۹۴) (Fayyaz and others, 1390 A.H:94) . بنابراین ، نشانه‌شناسی ، شاخه‌هایی به‌خود گرفته‌است مانند « فاصله‌شناسی ، نشانه‌شناسی ادبی ، نشانه‌شناسی تصویری ، نشانه‌شناسی موسیقیایی ، نشانه‌شناسی سینیما (فیلم) و ... » (محمدی و دی‌گران، ۱۳۹۴ : ۱۵۲) (Mohammadi and others , 1394 A.H : 152)

پیوند نشانه‌شناسی با زبان‌شناسی و روان‌شناسی

نشانه‌شناسی با زبان‌شناسی که « بررسی علمی زبان است » (نجفی ۱۳۸۴ : ۹) (Najafi , 1384 A.H : 9) پیوند نزدیکی دارد همان‌طور که سوسور می‌گوید : « قوانینی که نشانه‌شناسی کشف‌می‌کند در زبان‌شناسی نیز قابل استفاده خواهند بود » (قائمی‌نیا ۱۳۸۵ : ۷) (Qaemi Neyya, 1385AH : 7) . سوسور، نشانه‌شناسی به‌عنوان بخشی از روان‌شناسی اجتماعی/ عمومی ، و در نتیجه ، روان‌شناسی- عمومی را تشکیل‌می‌دهد . سوسور می‌گوید : « همین علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه، روان‌شناسی عمومی را تشکیل خواهد داد ؛ ما آنرا نشانه‌شناسی می‌نامیم زبان‌شناسی تنها بخشی از این علوم همگانی است . » (همو) (The Same Source) .. « سوسور نشانه‌های زبانی را مهم‌ترین نوع نشانه‌ها می‌داند » (همو) (The Same Source) . « او صرفاً به نشانه‌های زبانی پرداخته است و از این‌رو ، نشانه‌شناسی او بیش‌تر صورت زبان‌شناسی به‌خودگرفته‌است. » (همو) (The Same Source) .. از آنجا که نظام نشانه‌ای زبان جزئی از منظومه نشانه‌ای عمومی جامعه بشری است ، پس ، زبان‌شناسی را بخشی از این نشانه‌شناسی به‌حساب می‌آورد .

اما نشانه‌شناسی پی‌رس رنگ فلسفی داشت و کمتر بر زبان‌شناسی تأثیر نهاد . او ، نشانه‌شناسی را با روش برتری انواع استدلال و قضایای منطق و نحوه حصول معرفت جدی‌درا بررسی‌می‌کند. پی‌رس به تنوع نشانه‌ها اعتراف دارد و صرفاً به نشانه‌های

نشانه‌شناسی و تأویل

« میان نشان‌شناسی و تأویل و فهم ارتباط عمیقی وجود دارد و در حقیقت، نشان‌شناسی گونه‌ای نظریه‌ی تأویل نیز هست؛ چرا که نشان‌شناسی از چگونگی دلالت نشان‌ها بر مدلول‌های خود بحث می‌کند و به تعبیر امبرتو اکو (به ای‌تالی‌ایی Umberto Eco)، چیزی برای چیزی دیگر نشان قرار نمی‌گیرد مگر آن که به واسطه‌ی یک تأویل‌کننده‌ای به‌عنوان نشان آن چیز تأویل شود. « (همان: ١٢) (The Same Source: 12).

نشان‌شناسی و دو سوسور

« دو سوسور در سال ١٩١٦م در کتاب دوره‌هایی در زبان‌شناسی عمومی عبارت « دانشی که زندگی نشان‌ها را درون جامعه مطالعه می‌کند » پیشنهاد کرد. «

(فایض و دی‌گران، ١٣٩٠ هـ: ٩٥) (Fayyaz and others, 1390 A.H:95)

سوسور تنها از « واژه » برای بحث درباره‌ی نشان‌ها نمونه آورده است، ولی می‌توان روش نشان‌ه‌ی زبان سوسور را به نظام‌های نشان‌های دیگر نیز تعمیم کرد. مثلاً نشان‌ه‌ی شناسی نظام پوشاک، نظام خوراکی‌ها و غیره. مثلاً پیراهن سیاه نشان‌ه‌ی عزا است، ولی وقتی رویش ژاکت قرمز بپوشند، دی‌گر لباس عزا نیست. سوسور پیدایش دانشی را با نام **Semiology** پیش‌بینی می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که چنین دانشی حق حیات دارد. سوسور به بررسی چهار عنصر می‌پردازد: صوت، تصور صوتی (دال)، تصور معنایی یا مفهوم (مدلول)، مصداق.

صوت: پدید‌ه‌ای فیزیکی است و به نظام زبان مربوط نیست. یعنی آنچه هر بار که تولید می‌شود، به لحاظ فیزیکی، تفاوت‌هایی با تلفظ‌های قبلی و بعدی‌اش دارد. یعنی تلفظ یک کلمه از راه دو شخص و یا حتی از یک شخص فرق می‌کند. یا کل کلمه یا واجی از آن کلمه کوتاه‌تر یا درازتر تلفظ می‌شود.

تصور صوتی (دال) : آنچه از اصوات به حافظه سپرده‌ایم و با وجود همین تفاوت‌های تولیدی، به شکلی واحد درک می‌شود. سوسور تصور صوتی را به «نظام زبان» مربوط می‌داند تصور صوتی همانی است که ما هر بار کلمه «رود» درک‌اش می‌کنیم و تا وقتی با کلمات مانند «زود» و «دود» و غیره قاطی نشود، همان «رود» است.

مصدق : هر کدام از رودهای دجله، دانوب، کارون، نیل و غیره که با هم فرق دارند، یک مصداق از «رود» است.

تصور معنایی یا مفهوم (مدلول) : ما، از تمامی این مصداق‌ها، نوعی تصور معنایی یا مفهوم در حافظه‌مان داریم که سوسور آن را مدلول می‌نامد. پس، معلوم شد که انگار ما با چهار «رود» سروکار داریم :

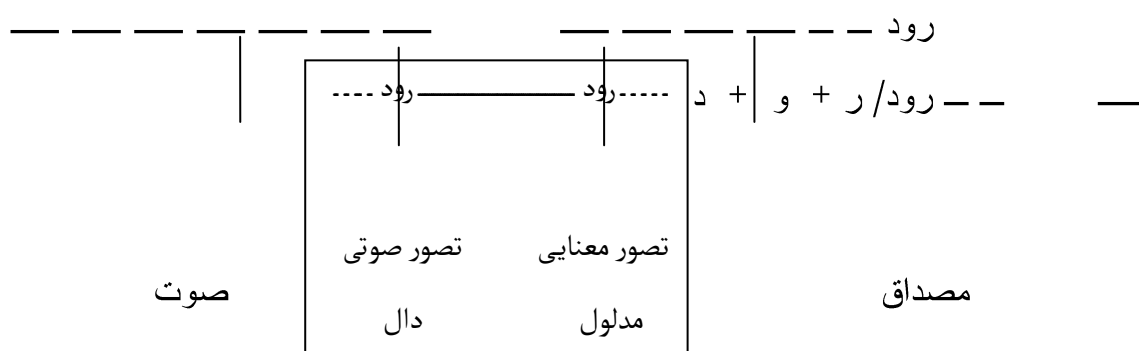
أ- صدا یا صوت «رود / ر و د».

ب- تصویری که از این صوت در حافظه داریم و دال «رود» است.

ت- تمامی آب‌هایی که در این طرف و آن طرف دنیا جریان دارند و هر کدامشان یک مصداق «رود» به حساب می‌آیند.

ث- مدلول «رود» یا «رودیت رود» که از تمامی مصداق‌های «رود» به حافظه سپرده-

ایم. می‌توان «رود» را از دیدگاه نشانه‌ای سوسور در نمودار زیر بیان نمود :



نظام زبان

صوت و مصداق جنبه‌ی فیزیکی دارند، اما دال و مدلول، دو تصور ذهنی‌اند و به نظام زبان تعلق دارند .

سوسور میان دال و مدلول پیوندی لاینفک در نظر می‌گیرد. او این پیوند جدایی‌ناپذیر- را نشانه‌ی زبان می‌نامد . او الگوی دوجویی یا دو قسمتی از نشانه ارائه می‌کند و نشانه را کلیتی ناشی از پیوند بین دال یا همان تصور صوتی و مدلول یا همان تصور مفهومی می‌داند و رابطه‌ی بین این دو را دلالت می‌نامد . نشانه از دید سوسور مفهومی است مبتنی بر دیالکتیک (مجادله) سلب و ایجاب .

دال **signifier** (تصور صوتی / شنیداری **image acoustique**)

= نشانه **sign**

مدلول **signified** / تصور مفهومی **concept**

الگوی دوجویی یا دو قسمتی از نشانه سوسور

او معتقد است، نشانه‌شناسی به ما خواهد آموخت که نشانه‌ها از چه تشکیلی یافته‌اند، و چه قوانینی بر آن‌ها حاکم است، و زبان‌شناسی را بخشی از این دانش کلی می‌داند . سوسور هر نشانه‌ی زبانی را به دو بخش دال و مدلول تقسیم می‌کند . نشانه حاصل انطباق دال و مدلول است . دالی که به هیچ مفهومی دلالت‌نکند صدای گنگ بیش نیست و مدلولی که هیچ دالی برای دلالت آن وجود نداشته‌باشد ، امکان ندارد و قابل دریافت و شناخت نیست . هر نشانه‌ی زبان به این دلیل یک نشانه‌ی زبان به حساب می‌آید که با سایر نشانه‌های همان نظام فرق دارد . سوسور ، این تقابل را ارزش یک نشانه می‌داند . مثلاً برای درک مفهوم « مرد » نی‌ازمند « زن » است و الخ... به عبارت دیگر، در نظام نشانه‌های سوسور ، هم دال و هم مدلول هویت خود را از مؤلفه‌های ذاتی و مثبت خود نمی‌گیرند بلکه آن را مدیون تفاوت‌هایی هستند که در اصوات ، علائم نوشتاری یا دلالت‌های مفهومی با دال‌های دیگر وجود دارد ، یعنی هویت هر مفهوم ناشی از وجود تفاوتی است که آن مفهوم با مفاهیم دیگر دارد . هر نشانه‌ی زبان در درون خود از

شرایطی ایجابی برخوردار است زیرا اگر قرار باشد ، نشانه‌ای در نظام زبان حضور داشته‌باشد ، ایجاب می‌کند که یک دال به یک مدلول چسبیده باشد . هر نشانه زبان نسبت به سایر نشانه‌ها ، یا در برون از خود ، از شرایطی سلبی برخوردار است زیرا هر نشانه باید با سایر نشانه‌های همان نظام فرقی داشته‌باشد و از ارزشی خاص خود برخوردار باشد . به باور سوسور هر نشانه زبان از دو ماهیت اختیاری و قراردادی برخوردار است . اختیاری بودن نشانه به زمان پیوند دال و مدلول یا به زمان وضع نشانه بازمی‌گردد . قراردادی بودن، ویژگی نشانه در نظام زبان به حساب می‌آید . به عقیده سوسور، به هنگام وضع یک نشانه زبان، هر دال می‌توانست به هر مدلول دلخواهی بچسبد . سخنگویان هر زبانی ، بر حسب امکانات موجود در نظام زبان‌شان ، نشانه‌ها را اختیاری و سپس قراردادی می‌کنند . (ر.ک. صفوی، ۱۳۹۴ هـ : ۲۰ - ۲۸) ، (داد، ۱۳۸۵ هـ : ۸۱ - ۸۲) ، (معصوم و همکار، ۱۳۹۱ هـ : ۲۳) و (حق‌بین و همکار، ۱۳۹۲ هـ : ۵۲) .

(Refer to :Safavi ,1394 A.H : 20-28),

(Dad , 1385 A.H : 81-82),

(Ma'sum and coworker , 1391 A.H : 23)

and (Haqbin and coworker , 1392 A.H : 52)

سوسور برای تبیین روش نشانه‌شناسی خود ، از سیستم دوگانی مدد می‌جوید . به شرح زیر است :

أ- مطالعات درزمانی [تاریخی] در مقابل مطالعات همزمانی [معاصر] زبان توجه سوسور در دوره زبان شناسی عمومی معطوف به سرشت نشانه‌های زبانی بود . به اعتقاد او ، مطالعه زبان باید از سویه تاریخی (درزمانی) زبان‌شناسی سنتی که ریشه در تاریخی‌گری قرن نوزدهم دارد ، به سمت روی‌کرد همزمانی که کلیت زبان را در یک مقطع زمانی بررسی می‌کند، حرکت کند .

ب- لانگ [langue] و پارول [parole]

لانگ- نظامی از تفاوت‌ها میان نشانه‌ها . نظام زبان مشترک میان گویندگان یک جامعه است . پارول - کنش‌های فردی زبان . کاربرد زبان به وسیله هر یک از گویندگان آن جامعه در مناسبات واقعی .

ت- رابطه جانشینی (انتخاب) و همنشینی (ترکیب)

از نظر سوسور بر نشانه‌ها دو نوع رابطه حاکم است : رابطه جانشینی و همنشینی. در محور همنشینی ، اجزای گفتار در کنار یکدیگر می‌نشینند . در محور جانشینی، اجزای گفتار به جای یکدیگر می‌نشینند . (عباس پور ، ١٣٩٠ : ١١٤ - ١١٧) (Abbaspur, 1390 A.H : 114-117) .

نشانه‌شناسی و پیرس

پیرس، فیلسوف آمریکایی تقریباً همزمان با سوسور بوده بدون این که شناختی از هم داشته باشند، هر شیء‌ای را که به گونه‌ای اطلاعی می‌دهد، نشانه می‌دانست . این تعریف نه تنها شامل امور بیرونی (حقیقی و قراردادی) مانند قوانین علمی یا علائم جاده است، بلکه امور مربوط به انسان مانند صوت، افکار و احساسات، زبان، اشارات نیز دربرمی‌گیرد . نشانه از دیدگاه پیرس بر خلاف سوسور که نشانه را متشکل از دو بخش دال و مدلول می‌داند، کارکرد ارتباطی نشانه از دیدگاه پیرس متشکل از سه بخش است :

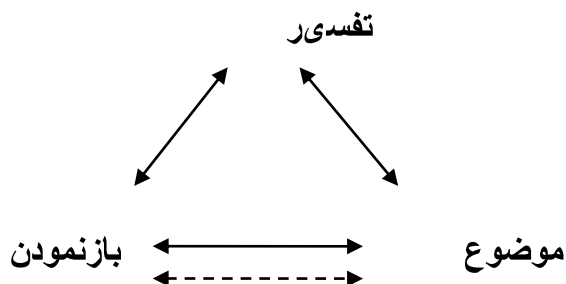
١. صورت/ بازنمون/ نشانه/ نمود/ بازنمود **Representamen** : ابزاری که چیزی را به ذهن متبادر می‌کند و در واقع شکلی/ صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد . به سخن دیگر، نشان دادن چیزی به معنای وسیع کلمه (و بالضروره قراردادی یا زبانی نیست) . می‌توان آن نمود را نشانه نامید که معادل دال است .
٢. موضوع/ ابژه **Object** : چیزی که نشانه بر آن دلالت می‌کند ، که همان موضوع یا مصداق است . به عبارت دیگر ، چیزی که نشانه به آن ارجاع می‌دهد .

موضوع یا متعلق نشانه‌شناختی که شامل امور قابل تصور است از جمله شیءای ، حادثه‌ای ، رابطه‌ای ، کیفی‌تی ، قانونی ... به عنوان نمونه : در بیت :

سرو چمان من چرا ، می‌ل چمن نمی‌کند

همدم گل نمی‌شود ، یاد سمن نمی‌کند

مصدق واژه «سرو» ، نوعی درخت است که در هر متنی به‌کار رود چنن مصدقی دارد ؛ ولی تفسیر آن معشوق است که در متون متفاوت این تفسیر تغیری می‌کند تعبیر / تفسیر **Interpretant** : آنچه به ذهن شنونده متبادر می‌شود و همان ادراکی است که نشانه به‌وجود می‌آورد که می‌توان آنرا معادل مدلول دانست . به عبارت دیگر، معنایی است که از نشانه به‌دست‌می‌آید . تفسیرگر یا نشانه‌تفسیرگر است که بر خود شخص دلالت‌نمی‌کند بلکه بر تصور ذهنی یا امری که میان نشانه و موضوع ، رابطه‌ای ایجاد می‌کند ، دلالت دارد .



الگوی سه‌وجهی از نشانه‌پیرس

برخی از طرفداران پیرس گفته‌اند که در مثلث نشانه‌شناختی رابطه‌نشانه‌ها (کلمات) و اشیای مباشر و بی‌واسطه نیست . از این رو، آن‌ها رابطه‌مذکور را به‌جای خط ممتد ، با خط چین نشان داده‌اند . (ر.ک. صفوی، ۱۳۹۴ هـ : ۲۸ - ۳۰) ، (قائمی‌نوی، ۱۳۸۵ هـ : ۶ - ۹) ، (حاکمی، ۱۳۹۶ هـ : ۲) و (میرباقری‌فرد و همکار، ۱۳۸۸ هـ : ۱۳۵) .

(Refer to :Safavi ,1394 A.H : 28-30) ,

(Qaemi Neya, 1385 A.H : 6-9) , (Hakemi , 1396 A.H : 2) , And

(Mirbaqerifard and coworker 1388 A.H : 135)

« به باور پی‌رس ، دلالت نشانه از سه وجه تشکیلی شده است . در این نوع دلالت ، ما ، در برابر یک صورت قرار می‌گیریم ، فرض کنید این صورت ما همان چراغ راهنمایی و رانندگی سر چهارراه باشد که چراغ قرمز روشن است . این صورت همانی است که پی‌رس بازنمون می‌نامد، آن هم به این دلیل که هر کدام از صدها هزار چراغ راهنمایی و رانندگی ای که می‌بینیم، در اصل، بازنمون‌ها بهتر بگوییم ، نمونه‌ای از چراغ راهنمایی و رانندگی اند . ما از طریق این صورت درمی‌یابیم که این « چیز» به « چیز» دیگری دلالت می‌کند . این « چیز» دوم ، « توقف کردن» است که موضوع نامی‌دهی شود . وقتی من با دیدن چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی درمی‌یابم که باید توقف کنم ، در اصل آن «چیز» اولی ، یعنی بازنمون‌ها همان صورت‌ها ، به «چیز» دومی ، یعنی همان موضوع ، تعبیر‌ها به قول پی‌رس، تفسیر می‌کنم . « (صفوی، ۱۳۹۴ : ۲۹) (Safavi , 1394 A.H : 29)

اما در خصوص نشانه زبانی « می‌توانیم مدعی شویم که شکل تلفظی واژه « رود» در اصل برای ما نوعی بازنمون است . وقتی ما واژه «رود» را می‌شنویم، درمی‌یابیم که این صورت به موضوع مشخصی، یعنی « جریان آب در مسیری در جهان خارج » دلالت می‌کند . در چنین شرایطی ، ما «رود» را به « جریان آب در مسیری در جهان خارج » تعبیر می‌کنیم . .. بازنمون‌ها نمی‌توانند معادل دال سوسور در نظر گرفت، یا تفسیر را چیزی شبیه به مدلول به حساب آورد . ما حتی نمی‌توانیم موضوع را با مصداق یکی بدانیم... بازنمون ، تحقق فیزیکی یکی پدیده اصلی است. برای نمونه ، ما با پدیده‌ای اصلی نظیر « حلقه در انگشت دوم دست چپ» سروکار داریم . بازنمون این پدیده می‌تواند حلقه‌ای طلا و پهن در انگشت یک مرد باشد، یا حلقه‌ای پلاتین و نگین- دار در انگشت یک زن باشد . این حلقه‌ها می‌توانند زمین تا آسمان با هم فرق داشته- باشند، ولی هر کدامشان ، یک بازنمون همان حلقه‌ای باشد که به « ازدواج » تعبیر می-

که در آن، رابطه میان بازنمون و موضوع، مبتنی بر «شباهت» باشد. مانند شباهت بین تصویر شخص و خود شخص. بازنمون از بعضی جهات، مثلاً شکل، صدا، بو و غیره شبیه به موضوعش است. بنابراین، یک عکس، ماکت یک ساختمان، یک مجسمه مثلاً از فردوسی، یا حتی استعاره‌ها، نام‌آواها، نظیر « قوقولی قوقو/ صدای خروس»، «بمب» و غیره می‌توانند نشانه‌هایی از نوع شمایل به حساب آیند. در این نوع نشانه، نیازی به تفسیر نداریم.

۲. نمای‌ها **Index / شاخص‌ها** : که از طریق ارتباط فیزیکی با چیزها به آنها دلالت می‌کنند. به سخن دیگر، نشانه‌ای است که در آن، رابطه میان بازنمون و موضوع مبتنی بر رابطه «علت» و «معلولی» باشد. مثل «دود» که نشانه «آتش» است. اگر دود را بازنمون، و آتش را موضوع در نظر بگیریم، آنگاه می‌توانیم مدعی شویم که این نشانه از نوع نمایه به حساب می‌آید. در این گونه نشانه، تفسیر لازم نیست و رابطه قراردادی نیست. مثالی که پیرس برای نمایه ارائه داده است، دیواری است که با گلوله سوراخ شده، ولی از خود گلوله در آن اثری نیست. پیرس می‌گوید: اثر گلوله حاکی از شلیک آن است.

۳. نمادها **Symbol / نشانه‌های عام** : که از طریق کاربرد با معناهایشان پیوند یافته‌اند. نشانه‌ای است که به تفسیر نیاز داشته باشد. رابطه میان بازنمون و موضوع، مبتنی بر «قرارداد و اختیاری» باشد. مانند کاربرد نمادهایی که بر درجات نظامی دلالت می‌کنند، چراغ راهنمایی و رانندگی، حلقه انگشت دوم دست چپ و غیره. «رمز» چیزی است که بر اساس قرارداد است و برای فهمیدن آن باید بر اساس توافق قبلی آنرا تفسیر کرد. (ر. ک. معصوم و همکار، ۱۳۹۱ : ۲۳)، (رضویفر و همکار، ۱۳۹۰ : ۹ - ۱۰)، (صفوی، ۱۳۹۳ : ۳۱)، (حاکمی، ۱۳۹۶ : ۶ - ۷) و (حقیقین و همکار، ۱۳۹۲ : ۵۲).

(Refer to : Ma'sum and coworker , 1391 A.H : 23),

(Razavifar, and coworker , 1390 A.H : 9-10), (Safavi , 1393 A.H :

31), (Hakemi ,1396 A.H : 6-7) and (Haqbin and coworker ,1392 A.H : 52).

نشانه‌شناسی و گری‌ماس

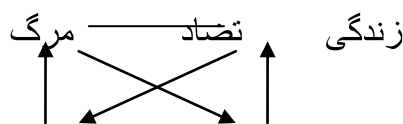
آلگرداس ژولین گری‌ماس Algirdas Julien Greimas (١٩١٧ - ١٩٩٢ م) زبان‌شناس و نشانه‌شناس لی‌توانی‌ای - فرانسوی از بنیان‌گذاران و دبیرکل انجمن بین‌المللی مطالعات نشانه‌شناسی بود . مربع نشانه‌شناختی گری‌ماس می‌توان به‌منظور برجسته‌ساختن مواضع پنهان در یک متن یا فرایند به‌کارگرفت . گری‌ماس الگوی اساسی‌ای که بر پایه ساختار تقابل‌های دوتایی شکل‌می‌گیرد ، به‌دست‌می‌دهد . او بر این باور است که معنا به واسطه تقابل‌هایی که میان دو واحد معنایی کمی‌نه قائل می‌شویم تولید می‌شود . او در معناشناسی بنیادی مقوله‌ها را با سه نوع ارتباط نشان می‌دهد :

١. ارتباط تقابلی تضادی آن‌ها با یکدیگر است ، مثل مقوله مرگ و زندگی ، زشت و زیبا . مقوله‌هایی متضاد تلقی می‌شوند که اعتقاد به حضور یکی بر قبول حضور دیگری استوار باشد ، چنان‌که بی مفهوم زندگی ، اعتقاد به مرگ غیر ممکن است . این ارتباط بر محور متضادها یعنی بین دو واژه بالای مربع (مرگ و زندگی) در طرحواره زیر وجود دارد .

٢. ارتباط تقابلی تناقضی است یعنی ارتباط یک مقوله با نفی آن ، مانند ارتباط « زندگی » با نفی زندگی « ~~نه~~ زندگی » و « مرگ » با نفی مرگ « نه مرگ » خطوط در طرحواره زیر .

٣. ارتباط تقابلی تکمیلی و مفهومی که بین یک نفی متضاد و واژه مثبت برقرار می‌شود . یعنی ارتباط از نوع ای‌جابی است که مثلاً بین « زندگی » و نفی مرگ « نه مرگ » وجود دارد ؛ یعنی آنچه نفی مرگ باشد ، ای‌جاب می‌کند که به زندگی اشاره کند . خطوط در طرحواره زیر . (ر.ک. حق‌بین و همکار ، ١٣٩٢ : ٥٤ - ٥٧) و (ثواب و همکار ، ١٣٩٤ : ٥٠)

(Refer to : Haqbin and coworker,1392A.H : 54-57)and(Savab and coworker,1394 A.H : 50)



تکمیل تناقض تکمیل

نقیض مرگ زیر تضاد نقیض زندگی

الگوی چهاروجهی از نشانه‌گری ماس

تقسیمی‌بندی انواع نشانه

تقسیمی‌بندی نشانه‌های زبانی، و غیر زبانی که در زندگی اجتماعی بشر به‌کار می‌گیرند، می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

« نشانه‌ی تصویری یعنی نشانه‌ای که میان صورت و مفهوم آن مشابهتی عینی و تقلیدی هست. مانند نقش مار که بر خود مار، و عکس که بر صاحب عکس، و نقشه‌ی جغرافیای که بر منطقه‌ای از مناطق زمین دلالت می‌کند. فقط به‌سبب مشابهت ظاهری است که می‌توان از اولی به دومی را برد.»

نشانه‌ی طبیعی (که همان نشانه‌ی عقلی و طبعی باشد)، یعنی نشانه‌ای که میان صورت و مفهوم آن رابطه‌ی همجواری یا تماس هست. مثلاً رابطه‌ی میان دود و آتش و میان جای پا و رونده و میان تندی ضربان نبض و احتمال تب و میان لفظ آخ و احساس درد. این رابطه از مقوله‌ی علّیّت است: آتش و رونده و تب و احساس درد علت است و دود و جای پا و تندی ضربان نبض و فریاد معلول آن. فرق اساسی این نشانه با نشانه‌ی وضعی در این است که عمداً به قصد ایجاد ارتباط به وجود نیامده است.

نشانه‌ی وضعی، یعنی نشانه‌ای که میان صورت و مفهوم آن، همچنان رابطه‌ی همجواری و پیوستگی هست؛ اما این رابطه قراردادی است، نه ذاتی و خودبخودی؛ پس بر مبنای قاعده‌ای جاری و مستعمل است (عرف و عادت) نه بر اساس مشابهت تصویری یا بستگی علت و معلولی؛ مانند دلالت لفظ بر معنای «اسب» که تا مسبق بر قرارداد تصریحی یا تلویحی میان گوینده و شنونده نباشد، مفهوم نخواهد شد؛ یا دلالت نور قرمز در سر چهارراه بر «عبور ممنوع». فقط دلالت نشانه‌های وضعی مسبق بر آموزش و فراگیری است؛ زیرا نزد هر جماعتی به صورتی متفاوت با صورت رایج جماعت دیگر است.

بسیاری از نشانه‌ها ممکن است از گروهی به گروه دیگری بروند. فی‌المثل دود آن جا که دلیل آتش باشد از نشانه‌های طبیعی است، ولی چون نزد بعضی از قبایل سرخ‌پوست آمریکایی به نشانه اعلام جنگ یا خطر به‌کاررود در شمار نشانه‌های وضعی خواهدبود، چون مسبوق بر قرارداد و آموزش و نیز به‌قصد ایجاد ارتباط است.

بسیاری از نشانه‌ها ممکن است ترکیبی از دو یا سه نوع باشند . مثلاً در علایم راهنمایی و رانندگی، نشانه‌ای که دلالت بر پیچ جاده می‌کند متشکل از نشانه تصویری و نشانه وضعی است؛ و حال آن‌که علامت توقف اجباری مطلقاً وضعی است . (نجفی، ١٣٨٤ : ١٥ - ١٦) و (ر.ک. حاکمی، ١٣٩٦ : ٤) .

(Najafi , 1384 A.H : 15-16) and (Refer to : Hakemi , 1396 A.H : 4).

نقش‌های نشانه

به گفته رومن یاکوبسن **Roman jakobson** زبان‌شناس معروف روسی، وقتی بخواهیم به کمک زبان یا هر نظام نشانه‌ای دیگری با هم ایجاد ارتباط کنیم ، باید شش عامل را در این کار دخیل بدانیم . فرستنده ، پیام ، گیرنده . پیام در نظام زبان ، یک یا چند جمله است . ولی پیام می‌تواند به یک زبان طبیعی نباشد و مثلاً چراغ راهنمایی و رانندگی باشد . بنابراین، به جای زبان، بهتر است بگوییم که پیام به یک رمزگان است . عامل پنجم، مجرای ارتباطی است . پیام باید در یک مجرای ارتباطی به من منتقل شود . فرض کنید شما می‌خواهید تلفنی مطلبی را به من بگویید ولی سیم تلفن قطع باشد. در چنین شرایطی، ارتباط برقرار نمی‌شود . عامل ششم، موضوع آن پیام است . فرض کنید، من به شما می‌گویم : دیشب دلم درد می‌کرد . موضوع این پیام، خبری است که به جهان خارج ربط می‌یابد که همان دل‌درد دیشب من است .

موضوع

پیام

گیرنده _____ فرستنده

مجرای ارتباطی

رمزگان

به باور یاکوبسن، توجه پیام می‌تواند معطوف به هر یک از این شش عامل باشد ، و در هر مورد، یکی از نقش‌ها پدید آید .

نقش عاطفی Emotive Function : جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است . این نقش احساس گوینده را در بر می‌گیرد . فرض کنید بلند داد می‌زنم « بخشکی شانس» . این جمله شرایط عاطفی مرا بیان می‌کند و واکنشی از گیرنده نمی‌خواهد چون این پیام فقط معطوف به فرستنده بوده است . نیز در این نقش حروف ندا خود را نمایان- می‌سازند .

نقش ترغیبی Conative Function : جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است . فرض کنید به شما می‌گویم « شی‌شهر را بکش پای‌ین» شما در برابر این پیام واکنشی از خودتان نشان می‌دهید . در چنین شرایطی، قصد من از تولید این پیام، ترغیب شما به انجام کاری است . در این نقش جمله‌ها با ساخت ندایی یا امری نمود می‌یابند .

نقش همدلی Phatic Function : توجه پیام به سوی مجرای ارتباطی است . هدف ارسال‌کننده پیام به دنبال برقراری و ادامه‌یافتن ارتباط است . وقتی با تلفن حرف می‌زنیم و جمله‌هایی نظیر « صدایم می‌آید؟ » ، « فهمیدی چه گفتم؟ » و غیره را به‌کار می‌بریم، در اصل می‌خواهیم بدانیم که ارتباط هنوز برقرار است یا ارتباط قطع شده . در این موارد ، قرار است ما با هم برای ایجاد ارتباط همدل شویم .

نقش فرازبانی Metalinguistic Function : توجه پیام می‌تواند معطوف به رمزگان باشد . در این نقش ، جمله‌های توصیفی کاربرد بیشتری دارند . ما می‌توانیم باهم در مورد زبانی صحبت‌کنیم که در ایجاد ارتباط با هم به‌کار می‌بریم . مثلاً من می‌توانم پای

تلفن، واژه‌ای را برای تان هجی‌کنم و مثلاً بگویم «گفتم حسن؛ ها، سین، نون». آنچه در این پیام مطرح می‌شود به خود رمزگان باز می‌گردد.

نقش ارجاعی Referential Function: جهت‌گیری پیام به سوی موضوع پیام است. مثلاً در روزنامه می‌خوانیم «در تصادف دو اتوبوس دوازده نفر کشته شدند» ما از این پیام در می‌یابیم که در جهان اطرافمان دوازده نفر در یک تصادف کشته شده‌اند. در اینجا، فقط از یک پیام استفاده شده است تا به واقعی‌تی در جهان خارج ارجاع داده شود. در این نقش، جملات با ساخت خبری بیان می‌شوند.

نقش ادبی Poetic Function: توجه پیام معطوف به خود پیام است. فرض کنید من جمله‌ای نظیر «هزار بار می‌میرم تا زنده بمانم» را تولیدکنم. آنچه اینجا اهمیت می‌یابد، هنری است که فرستنده پیام در آفرینش این پیام به خرج داده است. می‌توان در نمودار زیر، نام نقشی از نشانه‌ها ذکر کرد که به هنگام معطوف شدن پیام به آن عامل پدیدمی‌آید: (ر.ک. صفوی، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۵) و (طهماسبی و همکار، ۱۳۹۳: ۲۳۱)

(Refer to : Safavi , 1394 A.H :71- 75) and

(Tahmasabi and coworker , 1393 A.H : 231)

نقش ارجاعی

نقش ادبی

نقش ترغیبی _____ نقش عاطفی

نقش همدلی

نقش فرازبانی

نشانه‌شناسی ادبی

«نشانه‌شناسی ادبی‌اترا می‌توان روی‌کرد تحلیلی دلالت نامی. دلالت صریح، و دلالت ضمنی... معنای مستقیم همان است که معمولاً در لغت‌نامه‌ها می‌توان یافت...»

اصطلاح دلالت ضمنی برای ارجاع به معنای اجتماعی - فرهنگی و شخصی نشانه به- کار می‌رود و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرگر بستگی دارد دلالت‌های صریح در علم، و دلالت‌های ضمنی در هنر نقشی مسلط دارند؛ از این رو، می‌توان گفت نشانه- شناسی ادبیات ... به دنبال دلالت‌های ضمنی و تأویلی و معانی ثانویه متون است ... بیشتر نشانه‌شناسان معاصر مطالعه فنون بلاغی؛ مانند استعاره، مجاز و کنایه‌ها در قلمرو نشانه‌شناسی می‌دانند ... فنون بلاغی صرفاً آرایه‌های سبکی نیستند، بلکه از سازوکارهای شکل‌دهنده گفتمان هستند و کلیت گفتمان با استفاده از این ابزارهای بلاغی شکل می‌یابد ... فنون بلاغی صرفاً با چگونگی بیان اندیشه‌ها سروکار ندارند، بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیر می‌گذارند ... نشانه‌شناسی نه تنها درون‌مایه آثار ادبی را رمزگشایی می‌نماید، بلکه توجه منتقدان را به ساختارها و روابط درون متن نیز معطوف می‌کند ... تلاش می‌کند به ماهیت رمزگان‌هایی دست‌یابد که ارتباط ادبی را ممکن می‌سازند ... به همین دلیل نشانه‌شناسی سبب نظام‌مندتر شدن، علمی‌تر شدن و موشکافانه‌تر شدن نقد ادبی شد.» (محمدی و دی‌گران، ۱۳۹۴ : ۱۵۴ - ۱۵۷)

(Mohammedi and others, 1394 A.H : 154-157)

راه‌های تحلیلی نشانه‌شناختی ادبی

« به‌طور کلی آنچه در پژوهش‌های نشانه‌شناختی ادبی مورد توجه پژوهشگران واقع شده؛ عبارت‌اند از:

۱. تحلیلی متن به اعتبار محور جانشینی: این است که چرا یک دال خاص در متن به‌کاررفته و دال‌های دیگر به‌جای آن به‌کاررفته‌اند؟.
۲. تحلیلی متن بر اساس محور هم‌نشینی: ساختار یک متن مورد تحلیلی و بررسی قرار می‌گیرد و اجزای آن در ارتباط با یکدیگر شناسایی می‌شوند.
۳. به‌جای توجه به دلالت‌های صریح، به دلالت‌های ضمنی و غور مستقیم توجه می‌شود که بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی یک مدلول تکیه دارند.

٤. به عناصری چون نماد ، استعاره ، مجاز ، اغراق و مواردی از این قبیل که زی‌بایی و اثرگذاری متن به آنها وابسته است ، توجه می‌شود .

٥. روابط بی‌نامتنی : بدین معنی که خوانش یک متن در پرتو متنی دیگر صورت می‌پذیرد ... هیچ نوشته‌ای جدا از شبکه تاریخی-ایدئولوژیکی خود قابل فهم و دریافت نیست . بر این اساس ، می‌توان به الگویی دست یافت که در نشانه‌شناسی متون ادبی اعم از شعر و نثر کارآمد است . این الگو از بررسی رمزگان‌هایی به دست می‌آید که ممکن است بعضی از آنها در متنی حضور داشته باشند و بعضی نیز غایب باشند . رمزگان‌های مورد نظر عبارت‌اند از :

ا- رمزگان‌های مربوط به خالق اثر .

ب- رمزگان‌های زی‌بایی‌شناختی؛ از قبیل: استعاره، نماد، کنایه، مجاز، ایهام و

... .

ت- رمزگان‌های مربوط به زمان و مکان .

ث- رمزگان‌های مربوط به فرم .

ج- رمزگان‌های نحوی .

ح- رمزگان‌های روابط بی‌نامتنی .

خ- رمزگان‌های روایی .

د- رمزگان‌های مربوط به عرفان . « (محمدی و دی‌گران، ۱۳۹۴ : ۱۵۹ -

(۱۶۰) (Mohammadi and others , 1394 A.H : 159-160)

نتیجه‌گیری

☒ نشانه‌شناسی علمی و روی‌کردی تحلیلی‌گرایی چندرشته‌ای برای مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگری نشان می‌دهد .

☒ شیوه تحلیلی نشانه‌شناختی متون ادبی می‌تواند به وجوه گوناگون نشانه‌های ادبی مانند صداها ، واژه‌ها ، وزن‌ها ، نمادها ، مفاهیم پی‌برد از پایه مطالعه ساختار درونی آن نشانه‌ها تا نحوه دلالت کاربردی آنها در دل متن .

- ☒ شناسایی دانش نشانه‌شناسی از لحاظ نظریه ، موجب درک و فهم بهتر مبانی این دانش برای دانشجویان شود .
- ☒ می‌توان هر چیز در عالم هستی‌ها به‌عنوان نشانه‌ای به‌شمار آورد . بنابراین ، پدیده‌ها ، داده‌ها و دست‌آوردها چه مادی - فیزیکی ، چه مفهومی - اندیشه‌ای به‌عنوان نشانه‌هایی به‌حساب می‌آیند ، و به‌رمجستن از روی‌کرد نشانه-شناختی در تجزیه و تحلیل آن‌ها ، امری حائز اهمیت فراوانی در میان دی‌گر روی‌کردهای بحث و بررسی است .
- ☒ رهیافت نشانه‌شناسی ، به علت گستردگی آن ، به پژوهش‌های علمی و عملی بیشتری نیاز دارد .

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ثواب ، فاطمه و محمدعلی محمودی (۱۳۹۴) . عبور از مربع معنایی گری‌ماس و صعود با نردبان معنایی ، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، سال ۸، شماره ۳۱ ، پاییز ، دانشگاه سیستان و بلوچستان .
- حاکمی ، حامد گنجعلی‌خان (۱۳۹۶) . مروری بر نظریه نشانه‌شناسی پیرس ، سایت فلسفه نو ، ایران ، منبع انترنتی .
- حق‌بین ، فریده و فهیمه بیدادیان قمی (۱۳۹۲) . بررسی نشانه - معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گری‌ماس ، زبان‌شناخت ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، سال چهارم ، شماره دوم ، پاییز و زمستان ، تهران .
- داد ، سیما (۱۳۸۵) . فرهنگ اصطلاحات ادبی ، انتشارات مروارید ، تهران .
- رضوی‌فر ، آملی و حسین غفاری (۱۳۹۰) . نشانه شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت شناسی و نگرش وی به پراگماتیسم، نشریه فلسفه، سال ۳۹، شماره ۲ ، پاییز و زمستان ، تهران .

- صفوی ، کوروش (١٣٩٤) . آشنایى با نشانه‌شناسی ادبیات ، نشر علمی ، تهران .
- طهماسبی، فرهاد و مهوش خواجهی (١٣٩٣). بررسی نشانه‌شناختی شعر «مسافر» سپهری (بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا ؛ الگوی ریفاتر و یاکوبسن) ، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی ، دوره ٤ ، شماره ٢ ، پاییز و زمستان ، دانشگاه تهران .
- عباس‌پور ، ابراهیم (١٣٩٠) . درآمدی بر نشانه‌شناسی ، دوفصلنامه علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی ، سال ٣ ، شماره ٥ ، مؤسسه امام خمینی ، پاییز و زمستان ، ایران .
- عینی ، نسرن (١٣٩٥) . بررسی عناصر نشانه‌شناختی امی‌دواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روان‌شناسی مثبت‌گرا ، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ، سال هشتم ، شماره‌های پیاپی ٢٦ و ٢٧ ، بهار و تابستان ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج .
- فیاض ، ابراهیم و حسین سرفراز و علی احمدی (١٣٩٠) . نشانه‌شناسی چشم-اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی ؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران ، دوره چهارم ، شماره ٤ ، زمستان ، تهران .
- قائمی‌نیا ، علیرضا (١٣٨٥) . نشانه‌شناسی و فلسفه زبان ، مجله ذهن ، شماره ٢٧ ، پاییز ، تهران .
- _____ (١٣٨٦) . دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن ، مجله قرآن و علم ، شماره اول ، پاییز و زمستان ، تهران .
- محمدی ، یداله و مصطفی گرجی و سید احمد پارسا (١٣٩٤) . نشانه‌شناسی غزلی از مولانا ، مجله مطالعات عرفانی ، شماره بیست و یکم ، بهار و تابستان ، دانشگاه کاشان .

- معصوم ، سيد محمد حسینی (١٣٩١) . بررسی نشانه‌شناسی ساختارگرای شعر «ارغوان» هوشنگ ابتهاج ، نشریه پژوهش‌های ادبی و بلاغی ، سال اول ، شماره اول ، زمستان ، دانشگاه پیام نور مشهد .
- میرباقری فرد ، سید علی اصغر و زهره نجفی (١٣٨٨) . بررسی الگوی نشانه-شناختی پیرس در زبان عرفانی مولانا ، مجله بوستان ادب ، دوره اول ، شماره دوم ، زمستان ، دانشگاه شیراز .
- نجفی ، أبو الحسن (١٣٩٠) . مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی ، نیلوفر ، تهران .

منابع عربی

- الأحمر ، فیصل (٢٠١٠) . معجم السیمیائیات ، منشورات الإختلاف، الجزائر .
- البزّاز، توفیق عزیز عبدالله (٢٠١٠) . علم اللغة المعاصر (نظریة و تطبیقاً)، دار زهران ، الأردن .
- بیلون، کرسیتیان و پول فابر (٢٠١١) . توطئة في علم اللغة ، ترجمة : توفیق عزیز عبدالله البزّاز ، دار زهران ، الأردن .

Sources And References

Persian Sources

- Abbaspur, Abraham (1390 A.H). View of the semiotics, Scientific Journal – specialization in Islam and Social Sciences, vol. 3, Issue 5, Imam Khomeini's Foundation, Autumn and winter, Iran .
- Dad, Seema (1385 A.H). The glossary of Literary Terms, publish Morvareed, Tehran .
- 'Eini, Nisreen (1395 A.H). Study of the Semiotic Items of Hope in Emotional Poetry of Hafiz on the Basis Positive psychology, Scientific Research Journal of Language and Persian Literature, vol. 8, Issues 26 and 27, Spring and Summer, Free Islam University, Sanandaj Governorate .
- Fayyaz, Abraham and Hussein Sarafriz and Ali Ahmadi (1390 A.H). Semiotics of Cultural Scenes in Cultural Geography, Conceptual Strategy for Understanding and Revealing Meaning, Journal of Cultural Studies of Iran, , vol. 4, Issue 4, Winter, Tehran .
- Hakemi, Hamed Ganjalikhan (1396 A.H). Passage on the Semiotic Theory of Pierce, Site, Modern philosophy, Iran, Internet, Website.
- Haqbeen, Faride and Faheeme Bidadyan Qommi (1392 A.H). The Study of the Sign – The Significance of the Verses Related to the Resurrection and the Restored of the Resurrection on the Basis of the Semiotic Studies of Greimas, Zaban Shanakht Journal, Center of Human Sciences and Cultural Studies, vol. 4, Issue 2, Autumn and Winter, Tehran .
- Ma'sum, Sayed Mohammed Hosseini (1391 A.H). A Synthetic Semiotics Study of Arguan's Poetry by Hoshang 'Ebtihaj, Journal of Literary and Rhetorical Studies, vol. 1, Issue 1, Winter, University of Payame Nour, Mashhad.
- Meerbaqerifard, Sayed Ali Asghar and Zahre Najafi (1388 A.H). Study of the Semiotic- Model of Pierce in the Religious Language for Maulana, Bustan Literature Journal, vol. 1, Issue 2, Winter, University of Sheeraz.

- Mohammadi, Yade 'Elah and Mustafa Gorji and Sayed Ahmed Parsa(1394A.H). Semiotic Emotional Poetry from Maulana, Journal of Religious Studies , Issue 21, Spring and Summer, University of Kashan.
- Najafi, Abul – Hasan(1390A.H). Principles of Linguistics and its Use in Persian, posted by Nilover, Tehran .
- Qaemi Neya, Alireza(1385A.H). Semiotics and Language Philosophy, Journal of Zehn, Issue 27, Autumn, Tehran .
- Qaemi Neya, Alireza(1386A.H). Semiotics and Interpretation of the Quran, Quran and Science Journal, Issue 1, Autumn and Winter, Tehran .
- Razavifar, 'Amoli and Hussein Ghaffari(1390A.H). Semiotics Pierce will be on the Philosophy, His knowledge and opinion is for pragmatics, Journal of Philosophy, vol. 39, Issue 2, Autumn and Winter, Tehran .
- Safavi, Korosh (1394A.H) . Recognition on a Semiotic Literature, Scientific Publishing Journal, Tehran .
- Savab, Fateme and Mohammedali Mahmudi(1394A.H). Crossing from the Semantic Square of Greemas and Ascending the Semantic Ladder, the Quarterly Journal of Literary Criticism, eighth year, Issue 31, the Autumn, University of Sistan and Baluchistan .
- Tahmasabi, Farhad and Mahvash Khajoy(1393A.H). Semiotic Study of Poetry " Traveler" of Sepehri(based on structural semiotics , Rivatear and Jacobson Model), Language Research Winter, Tehran .

Arabic Sources

- Al-Ahmar , Faisal (2010A.D) . Dictionary of Semiconductors,Diffusion publications,Algeria.
- Al-Bazzaz,Tawfiq Aziz Abdullah(2010A.D).Contemporary Linguistics(Theory and Application),Zahran Publishing House,Jordan.
- Baylon Christian,and Paul Fabre (2011A.D).Introduction to Linguistics,Translation by Tawfiq Aziz Abdullah Albazzaz, Zahran Publishing House,Jordan.